

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • شماره: ۴۸۲۴ • ۱۲ صفحه

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۱۹۸۰۵۰۴۴ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترق

روزنامه

پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ • ۲۳ شوال ۱۴۴۵ • ۲ می ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۸۲۴ • ۱۲ صفحه
آدان ظهرنهران ۱۲:۰۱ • آدان مغرب ۱۹:۰۱ • آدان صبح فردا ۳:۳۶ • طلوع آفتاب ۵:۱۰



سعید بهمن ۲۵ ساله از پنجورد در سال اول تدریس هر روز مسافتی ۸۰ کیلومتری را طی می‌کند تا در مدرسه کانکسی چندپایه «باران آباد» واقع در شهرستان مانه خراسان شمالی حضور پیدا کند. عکس: پیمان حمیدی‌پور، میزان

instagram:sharghdaily1 • twitter:sharghdaily • youtube:sharghdaily • Telegram:SharghDaily • aparat:tasvirshargh • www.sharghdaily.com

یک تصمیم بدون پیوست رسانه‌ای



پویان‌نعمت‌اللهی

حمل‌ونقل کشور نیستند. تعداد زیادی تاکسی در شهرها وجود دارد که هیچ ترددی نداشته و هر ماهه سهمیه خود را با قیمت آزاد به متقاضیان می‌فروشند؛ حال آنکه چه‌بسا یک تاکسی که با تمام توان مشغول کار و تلاش بوده و در حال خدمت به شهروندان است، با کسری سهمیه مواجه شده و چاره‌ای جز توسل به سهمیه همکاران خانه‌نشین خود ندارد.

مشابه این وضعیت اکنون برای ناوگان‌های سنگین فاقد بیمه شخص ثالث به اجرا گذاشته شده است. واقعیت آن است که هیچ وسیله نقلیه‌ای به اندازه همین وسایل نقلیه عمومی و همچنین وسایل نقلیه سنگین، محتاج بیمه شخص ثالث نیست. هر حادثه در نزد این وسایل می‌تواند آسیب‌ها، جراحات، خسارات و تلفات بسیار زیادی به جان و مال مردم وارد کند و این تکلیف قانونی نیز ناظر بر همین مسئله است.

اقدام وزارت اقتصاد طرح یک‌به‌یک‌سازی کارت سوخت و بیمه‌نامه شخص ثالث را پشت‌توانه خود دارد. طبق این طرح، به ازای هر بیمه‌نامه شخص ثالث فعال وسیله نقلیه باید یک کارت سوخت وجود داشته باشد. با این اوصاف، تعداد وسایل نقلیه‌ای که در خدمت مردم و اقتصاد کشور نیستند نیز شناسایی شده و از کارت سوخت و سهمیه محروم می‌شوند.

طبعاً هر وسیله نقلیه‌ای که در حال فعالیت نباشد، نیازی به بیمه ندارد. وقتی یک وسیله نقلیه بیمه ندارد، به این معناست که مدت‌زمان زیادی خانه‌نشین بوده و در میان‌مدت نیز قصد فعالیت ندارد. چرا باید این وسیله نقلیه بتواند مانند وسیله نقلیه‌ای که در خدمت اقتصاد کشور است، سوخت سهمیه‌ای داشته باشد؟

با این اوصاف، اگر این اقدام از پیوست رسانه‌ای مطلوبی بهره‌مند بود، می‌توانست تا اعلی‌درجه همدلی و همراهی همه مردم را با خود جلب کند.

باشد. این روزها هر خبری که کلماتی همچون سهمیه، سوخت، بنزین، گازوئیل و کارت سوخت را در خود داشته باشد، به‌شدت حساسیت‌برانگیز است. این خبر هم از همان دسته است. اتفاقاً اعلام این خبر موجب ایجاد جریان‌های منفی علیه وزارت نفت شده است؛ چراکه هر چیزی که به بنزین، گازوئیل و کارت سوخت ربط داشته باشد، لابد در حیطه کاری وزارت نفت است. اما واقعیت آن است که وزارت نفت هیچ نقشی در این قضیه نداشته است، ولی احتمالاً بیشترین بازخوردهای منفی را به خود جلب می‌کند. بعید نیست که متولیان وزارت اقتصاد هم گوشه‌چشمی به این واقعیت داشته و خیال‌شان از بابت موج‌های منفی علیه خود راحت باشد.

از همه اینها گذشته باید دستگاه‌های کلان مدیریت ارتباطات در سطح دولت، همه افکار عمومی را در پشت این تصمیم بیاورند. فرآورده‌های نفتی همچون بنزین و گازوئیل ازجمله سرمایه‌های ملی و متعلق به تک‌تک مردم این سرزمین است. هیچ شهروندی تمایل ندارد این سرمایه به‌گونه‌ای خرج شود که هیچ ارزش‌افزوده و مابازایی برای او و اقتصاد کشور نداشته باشد.

چه بسیار وسایل نقلیه هستند که به دلایل مختلف در خدمت ناوگان

وزیر اقتصاد در نامه‌ای به وزیر راه و شهرسازی خواستار عدم تخصیص سهمیه سوخت به خودروهای بنزینی و موتورسیکلت‌های فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث با جدیت و قوت بیشتر شده است. موضوع به یکی از مواد قانون بیمه شخص ثالث مرتبط است که طی آن، صدور کارت و سهمیه سوخت وسایل نقلیه بدون بیمه‌نامه شخص ثالث ممنوع است. گفته شده حدود ۲۳ هزار کارت سوخت تاکسی ماه گذشته در تهران به دلیل نداشتن بیمه شخص ثالث باطل شده است.

این حرکت ابتدا از وزارت اقتصاد آغاز شده است. بیمه مرکزی و وزارت اقتصاد اولین قدم را برای حذف سهمیه سوخت خودروها و موتورهای فاقد بیمه برداشته‌اند. اکنون وزیر اقتصاد در نامه‌ای به وزیر راه و شهرسازی خواستار «جدیت» و «قوت» بیشتر در این زمینه است. کلید موضوع در همین دو کلمه است. منظور از «جدیت» و «قوت» این است که بالاخره باید کاری برای حل این معضل انجام شود.

این تصمیم را باید شجاعانه، مطلوب و بجادانست و با تمام قوا از آن حمایت کرد. اما واقعیت آن است که به اصلی‌ترین مصوبه شورای اطلاع‌رسانی دولت بی‌توجهی شده است. این شورا در اواخر سال گذشته به تمام دستگاه‌ها ابلاغ کرد که هیچ تصمیم، مصوبه یا لایحه‌ای را مادامی‌که بیوست اطلاع‌رسانی آن به تصویب نرسیده باشد، مورد پذیرش و تصویب‌خواهی قرار نخواهد داد. این کار بزرگی بود که هم مردم و هم رسانه‌ها باید قدردان آن باشند. درعین‌حال، انتظار می‌رود این شورا به این مصوبه خود وفادار بوده و اجازه‌اعلام هیچ تصمیم اجرایی را پیش از تصویب پیوست رسانه‌ای آن ندهد.

اقدام وزارت اقتصاد بدون پیوست‌های رسانه‌ای می‌تواند اضطراب‌آور

۱۰۰
مدیر

رئیس دفتر بازرسی ویژه رئیس‌جمهور از برکناری بیش از صد مدیر متخلف و ناکارآمد خبر داده است. دولت بر اساس گزارش‌های ارائه‌شده از مدیران سطوح بالا اقدام به برکناری کرده تا سطوح میانی! این تغییرات به برکناری بیش از صد نفر انجامیده است.

۱۱۶۰
میلیارد
تومان

ایستنا: خسارت ناشی از بارش‌های نیمه دوم فروردین ماه فقط در بخش کشاورزی جنوب کرمان بیش از هزار و ۱۶۰ میلیارد تومان بوده است. خسارت در امور عشایری بیش از ۱۸ میلیارد تومان بوده و به ۱۲ حلقه چاه، ۱۰ رشته قنات، پنج دهنه چشمه، دوهزار و ۴۰۰ کیلومتر ایل‌راه، ۳۳۱ رأس دام سبک و ۴۰ جایگاه دام خسارت وارد شده است.

یادداشت

وقتی مرگ در می‌زند

زنسکی شاید بیش از حد امیدوار و خوش‌خیال است یا شاید هم درست فکر می‌کند که کشورش را برای زندگی و نسل آینده می‌خواهد حفظ کند؛ چون احتمالاً تصور می‌کند حتی در صورت پیروزی در جنگ، بدون جوانان اوکراین، آینده‌ای برای اوکراین وجود نخواهد داشت. میانگین سنی تلفات رانندگی در ایران ۳۸ سال است. در کنار این تلفات، مرگ بر اثر خودکشی و سایر حوادث، مرگ خودخواسته پزشکان جوان و تلفات مشروب‌های دست‌ساز (که اغلب قربانیان جوان دارد)، در کنار مهاجرت و تخلیه‌شدن کشور از نیروی کار متخصص و حتی غیرمتخصص به نظر می‌رسد که ضربه سنگینی به جامعه وارد می‌کند. تک‌تک این اعداد شاید در مقیاس کلان برای سیاست‌گذاران ما اهمیت چندانی نداشته باشد، ولی مجموع این عددها حتی از منظر کلان می‌تواند کشور را در سال‌های آینده با چالش‌های واقعی و لاینحل مواجه کند.



علی مرسلی

در دو سال جنگ اوکراین، آمار تلفات کلی دو طرف درگیر جنگ (روس و اوکراین) به نیم‌میلیون نفر رسیده است.

تقریباً در ۲۵ سال اخیر، در شرایط صلح، ما در کشورمان همین تعداد (نیم‌میلیون نفر) را در حوادث رانندگی تلفات داده‌ایم!

درحالی‌که روسیه سربازان جوان را به سنگرهای خط مقدم در اوکراین می‌فرستد، میانگین سن اوکراینی‌ها در خط مقدم ۴۰ سال است!

باورس سخت است، ولی زنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، تصمیم گرفته که نسل جوان اوکراین را برای آینده (اگر آینده‌ای باشد) حفظ کند. اوکراین اخیراً مجبور شده که سن سربازی را از ۲۷ به ۲۵ برساند (سن سربازی در ایران ۱۸ سال است) و البته حتی در دوران جنگ، قانونی که کسی را به خاطر فرار از جبهه مجازات سخت کیفری (غیرمالی) کند، وجود ندارد.

روزها

تغییرات مادرشدن

اقدام کنند. اما گزارش این سؤال را پرسیده حالا و چهار سال بعد، چه چیزی تغییر کرده و چه پیشرفتی رخ داده است؟ هرچند میزان افسردگی پس از زایمان در حال بازگشت به آمار قبل از کووید است، اما شرایط بحرانی است.

در حالی‌که اکثر مادران با عوارض جسمی دوران بارداری آشنا هستند، زمانی که از نظر روانی دچار مشکل می‌شوند، کمک‌گرفتن برایشان سخت است. اغلب، آنها تصور می‌کنند این مشکلات بخشی از مادرشدن است و با وجود سخت‌بودن اما طبیعی است و باید آن را بپذیرند. آنان نمی‌دانند چه کار کنند و نمی‌دانند با چه چیزی مواجه شده‌اند. حتی برخی نمی‌دانند افسردگی پس از زایمان چیست. کمک‌خواستن در این مواقع می‌تواند تأثیر شگرفی بر زندگی مادران داشته باشد. آنان در ذهنشان نگران‌اند که از سوی مردم و اطرافیان خود به عنوان یک مادر بد شناخته شوند. از سویی دیگر اکثر مادران در مرحله بعد نگران این مسئله هستند که آیا مصرف دارو مشکلاتی برای فرزند شیرخوارشان به همراه خواهد داشت؟ پزشکان با درمان مادران که از دارو گرفته تا ارتباط اجتماعی، رژیم غذایی و ورزش را شامل می‌شود، برای رفع این شرایط اقدام می‌کنند. شرایطی که در صورت عدم درمان، می‌تواند به افسردگی عمومی تبدیل شود.

دیروز در برخی کشورها روز مادر بود و بیشتر رسانه‌ها با اخبار و توصیه‌هایی برای دادن هدیه و بیرون‌رفتن با مادران همراه بود. در این میان گاردین گزارشی درباره تغییرات مادرشدن بعد از همه‌گیری کووید منتشر کرده است. این گزارش سعی کرده به این پرسش پاسخ دهد که آیا پس از پایان همه‌گیری، تغییراتی در نحوه مادرشدن رخ داده است یا نه؟ بسیاری از تازه‌مادران معتقد بودند که مادرشدن در دوران کووید بسیار سخت بود. آنها اغلب احساس تنهایی می‌کنند و نمی‌دانند با شرایط خود چه کنند. در این گزارش به تجربه مادرانی که فرزندان‌شان را در دوران کووید به دنیا آوردند و در حالی که از راه دور به کار می‌پرداختند نیز اشاره شده است. مدیران یا کارمندان برتری که پس از چند ماه دریافت‌ه‌اند شرایطشان دارای مشکل است. آنان درگیر اضطراب بودند، واکنش‌های ناگهانی نسبت به مسائل نشان می‌دادند، مشکل خواب داشتند و هر لحظه منتظر بودند برای فرزندشان اتفاقی بیفتد. نمی‌توانستند منطقی فکر یا تصمیم‌گیری کنند.

در برخی کشورها از جمله آمریکا قبل از کووید، از هر هشت زن، یک زن افسردگی پس از زایمان را تجربه می‌کرد، اما در سال ۲۰۲۰، این تعداد به یک‌سوم افزایش یافت. پزشکان و محققان مجبور شدند به سرعت برای حمایت از زنان باردار و تازه‌مادرشده

شاهنامه‌خوانی

اسفندیار

در هفت‌خان -۳



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

گرگسار، پهلوان چینی که در سرینجه رویین اسفندیار گرفتار آمده بود، پس از آگاهی از آنکه اسفندیار خان پنجم را نیز پشت سر گذارده، سخت غمگین گشته، به خروش آمد و اسفندیار را گفت در خان ششم دیگر نه نبرد با دشمنی است که با تو به ستیزه برخیزد و نه افسونگری که بخواهد تو را افسون کند، آنچه به نبرد تو می‌آید، نه تیغ را کارآمد است و نه تدبیر را که برفی به بلندای یک نیزه است و تو و سپاهیان‌ت را در خود فرو می‌کشد. خرد تو را اندرز می‌دهد راه رفته را بازگردی و کسی تو را برای این بازگشت سرزنش نخواهد کرد؛ چراکه دشمنی در برابر توست که شکست‌ناپذیر است. اسفندیار پاسخ داد: «از این خسان نیز با همه توان گذر خواهیم کرد.»

و چون روشنای بامدادان دمیدن گرفت، فرمان داد چادرها و سرپرده‌ها برپا دارند. هوا بهارین و دلپذیر بود. چون چادرها برپا شد، به‌ناگاه تبدیادی از روی کوهستان وزیدن گرفت به ستوه آورنده و جهان چون بر زاغ سیاه گشت و از ابر برفی باریدن گرفت و دیری نپایید که بلندای برف از بلندای پیکر سپاهیان فراتر رفت و برف همگان را در خود فرو کشید.

اسفندیار به پشتون گفت: «این برف کار را بر ما دشوار و زندگی را بسا درد و رنج همراه گرداند. با مردی و پهلوانی به دم ازدها شتافتم، اکنون با این برف نمی‌دانم چه باید کرد. چاره این است که همه در پیشگاه یزدان پاک به نیایش بایستیم و او را بخوانیم و ستایش کنیم، مگر از ما این رنج را بگرداند.»

پشتون که نماد نیکی‌ی بود، به پیشگاه یزدان پاک آمد، نیایش‌ها کرد و از او خواست این رنج از سپاه ایران بگرداند. همان‌گه نسیمی دلاویز وزیدن گرفت و ابرهای تیره را برد و چهره آسمان گشاده و مهربان گشت. چون ایرانیان به خویش بازگشتند و دل‌هایشان به جای آمد، همچنان به نیایش بایستادند و چون سرپرده‌ها باران‌خورده و خیس شده بود، با سپاهیان سه روز و سه شب همان‌جا بماند تا نیروی رفته از سرما به تن ایشان بازگشت و در روز چهارم چون خورشید کیتی‌فرور درخشیدن گرفت. اسفندیار سران سپاه خود را فراخواند و گفت باید سبک پیش رفت، در اینجا بارها فروگذارند و جز جنگ‌افزارها هیچ برندارند. هر سرهنکی که سد آبکش نزد خود دارد، آب و خورش را نیمه گرداند و بدین‌گونه باری که افزون بود، همان‌جا بماند، مگر آنچه برای کارزار بایسته بود؛ باشد که به نیروی یزدان بر آن مردمان بدکنش پیروزی یابند.

اسفندیار گفت دل‌نگران آنچه رها کرده‌اند نباشند که چون بر آن دست یابند، همه دارای گنج و افسر خواهند شد و چون خورشید، چادر زردرنگ به سر کشید و باختر رنگ زرد به خود گرفت، همه پهلوانان بنه بر جای گذاردند و با شهریار خود همراه شدند. چون آسمان شب تیره گشت، در دیرگاهی دشت شبانه را درنوردیدند، به‌ناگاه آوای پرندگان ماهی‌خوار به گوش‌شان رسید.

اسفندیار از این آواز درشگفت شد و برآشفته گرگسار را به نزد خود فراخوانده، گفت: «تو کفتی در این جایگاه آب نیست، هشار دادی که هیچ جای آرامش و خواب نیست، اکنون آوای کلنگ شنیده می‌شود، چرا ما را از بی‌آبی بیمناک کرداندی؟» گرگسار پاسخ داد: «در این راه اگر آبی هم باشد، آب شور است و دیگر آنکه اگر چشمه‌ای بیایی، آب آن چون زهر است و تنها پرندگان و درندگان از آن می‌توانند بنوشند.»

اسفندیار فرمان داد سپاه شتابان بتازد تا این دشت سترون را هرچه زودتر درنوردند.

